گفت و گو با هوشنگ امیراحمدی
رییس شورای امریکایی - ایرانی (AIC)

(۲)

یکشنبه، ٤ آگست ۲۰۰۲

*به دنبال اعتراضات پردامنه ای که گروه کثیری از ایرانیان برون مرزی نسبت به تشکیل کنفرانس «شورای امریکایی- ایرانی» (۳ آگست ۲۰۰۲) بروز دادند، آقای هوشنگ امیراحمدی، رییس ایرانی این شورا، و آقای اکبر قهاری، خزانه دار آن، در یک جلسه ی مطبوعاتی شرکت کردند و به پرسش های آقای بیژن خلیلی (ازهفته نامه ی ایرانشهر)، و آقای سهراب اخوان (از رادیو ایران ۶۷۰ ای.ام) پاسخ دادند. ایرانشهر، که در شماره های گذشته، خوانندگان خود را در جریان کیفیت ها و انگیزه های کنفرانس **AIC** قرار داده بود، چاپ شرح کامل این گفت وگو را نیز ضروری می داند. اما از آن جا که طول این گفت و گو با گنجایش ایرانشهر همایند نیست، و از آن جا که این گفت وگو، از نظر مسائل جاری در ایران حائز اهمیت است، به ناگزیر، از ایرانشهر شماره ی ۱۹۰ به چاپ متن این گفت وگو، به صورت بخش های مسلسل اقدام کرده ایم.*

سهراب اخوان: آقای امیراحمدی آیا شما یک لابیست هستید؟

امیراحمدی: اصولا شورای AIC یک لابیست نیست. اما تمام سازمان های غیر انتفاعی حق دارند یک چارچوبی مثلا ۲۰ تا ۱۵ درصد لابی کنند. AIC سازمانی است آموزشی. یک مرز کوچکی هست بین آموزشی و لابی کردن. حالا تعریف می کنم که «لابی» یعنی چه؟ لابی یک تعریف مشخصی دارد که متأسفانه بخش وسیعی از ایرانی ها آن را نمی دانند. لابی وقتی اتفاق می افتد که یک لایحه ی مشخص جلوی یک وکیل یا سناتور در کنگره باشد و شما از آن سناتور یا از آن نماینده ی مشخص بخواهید در رابطه با آن لایحه ی مشخص، رأی مثبت یا منفی بدهد. ببینید

بقیه در صفحه ی ۵

ایرانشهر

IRANSHAHR
VOL 9, NO 191, Friday, August 23, 2002 WEEKLY

پوسترِ بزرگ سازمان خشم

یک ابتکار جدید در تظاهرات برون مرزی

سازمان خشم، در سالروز جشن مشروطیت، ۱۴ مرداد ماه، پوستر بزرگی از شاهزاده رضا پهلوی را که بر روی یک کامیون نصب شده بود، در محل برگزاری تظاهرات، در معرض دید همگان گذاشت. و پس از برگزاری تظاهرات، و پراکنده شدن مردم، از جلوی ساختمان فدرال، کامیون مربوطه، در مناطق ایرانی نشین به حرکت درآمد، و اتومبیل های ایرانیان طرفدار شاهزاده نیز، به دنبال آن روان شدند. و ساعت ها این عمل در سطح شهر ادامه پیدا کرد.

بقیه از صفحه ی ۱

گفت و گو با هوشنگ امیراحمدی...

دارم میگم رابطه ی مشخص، سناتور مشخص. دوباره تکرار می کنم «لابی» وقتی اتفاق می افتد که یک لایحه ی مشخص مقابل کنگره برای رأی باشد شما به سناتور مشخص بگویید که رأی بده آره یا نه.

اخوان: یعنی ما اگر به قدرتی برسیم که بتوانیم نماینده ای داشته باشیم می توانیم از او بخواهیم که از تصویب لوایحی که علیه ما است جلوگیری کند؟

امیراحمدی: اگر ازش بخواهید، مشخصاً، شما دارید لابی می کنید. ولی شما اگر مخالف یا موافق رابطه باشید، این لابی نیست.

مثلاً الان ما همه ی ایرانی ها مخالف لایحه ی ندادن ویزا به ایرانی ها هستیم. یعنی اگر ما به این سناتورها E-MAIL بزنیم، لابی نمی کنیم بلکه داریم ایجاد فشار می کنیم. این حق شماست که به عنوان یک شهروند اعتراض کنید، انتقاد داشته باشید، داد و فریاد کنید، اما به شرطی که فیزیکی برخورد نکنید. یعنی در اعتراضاتتان خط قرمز را رد نکنید.

مثلاً دوستانی که دیروز علیه ما تظاهرات کردند، این حق شهروندی آنان است. حقِ انسانی و شهروندیشان این است. اصلاً دمکراسی یعنی همین. که امیراحمدی یک کنفرانس بگذارد و یک عده که مخالف هستند بروند و اعتراض کنند.

بنابراین شورا «لابی» نمی کند. ما نمی رویم یک لایحه ی مشخصی که در کنگره هست را بیاوریم و بگوییم به وکیل مجلس که در رابطه با این لایحه ی مشخص، شما یک رأیِ این جوری بدهید. اساساً کاری که ما می کنیم این است که هر سه چهارماه یک بار می رویم کنگره، و جلسه ای می گذاریم، سناتورها و نمایندگان را می آوریم و جلساتی با موضوعات مختلف می گذاریم. مثلا راجع به تحریم ها، ویزا، یا مواد مخدر. به این می گویند: EDUCATIONAL EXCHANGE OF VIEW، یعنی مبادله ی دیدگاه. حالا این سناتور می تواند تأثیر بگیرد و در موقع رأی دادن گفته های من یادش بیاید و باخود بگوید امیراحمدی این حرف را زد، پس من مواظب رأیم باشم. این «لابی» نیست. من آدم های گنده و برجسته این کشور نظیر سناتور ها را آورده ایم، ما نظر دادیم و آن ها هم نظرات خود را دادند حالا چقدر تاثیر گرفتند، مربوط به خودشان است.

اخوان: کجا دولت ایران آمده در AIC که الان آن قدر صحبتش را می کنند که شما با دولت ایران رابطه دارید؟

امیراحمدی: خیلی جاها. شورا یک PLATFORM است، ما اعتقاد داریم که اگر قرار باشد یک درک بهتر بین دو دولت و دو ملت باشد این بخش را شما نمی توانید دولت را کنار گذاشته و فقط با ملت صحبت کنید.

یادم می آید من خانم آلبرایت را بردم لندن با ۲۵ نفر از ایرانیان صاحب صنعت و تجارت لندن منجمله دیوید خلیلی و جلسه گذاشتم. یکیشان گفت: خانم آلبرایت شما می دانید که این حکومت، حکومت بدی است، شما چه اصراری دارید که با این دولت رابطه برقرار کنید و چرا به سراغ ملت نمی روید؟

آلبرایت گفت: من دلم می خواهد که این جوری باشد، اما وزارت امورخارجه و کاخ سفید این جوری نشده ما اصلا سیستم مان این جوری نیست که از سر دولت ها بپریم و به ملت ها برسیم اگر این کار را بکنیم این تفکر براندازی است، که ممکن است که یک روزی این کار را بکنیم ولی در رابطه با ایران ما هنوز این تفکر را نداشته ایم. من متشکرم از این راهنمایی، ولی بنابراین ما باید با دولت حرف بزنیم.

اخوان: دولتی که برای ملت کاری نمی کند؟ شما وقتی با آن صحبت کنید که کاری نخواهید توانست انجام بدهید؟

امیر احمدی: ما اعتقاد داریم که حرکت های شورا در رابطه با مسایل ایران وامریکا نوعی فرم مقاومت است. ببینید مخالف روابط ایران و امریکا در ایران (فراموش کنید خارج از کشور) کیست؟

۱) مخالف رابطه ایران با امریکا یک جناح خشن حکومت است، جناح حقانی. حتی رفسنجانی و خاتمی نیست. یک جناح بسیار بنیادگرایی که مخالف این رابطه است چون می دانیم که این جناح نمی خواهد رابطه برقرار شود، چرا؟ برای این که این یک نوع مقاومت است.

الان اتفاق مهمی افتاده. بیش از ۸۰٪ مردم ایران این رابطه را می خواهند. این بدین دلیل نیست که عاشق امریکا هستند بلکه مردم ایران چون می بینند جناحی که دوستشان ندارند مخالف این رابطه است، موافق آن هستند. بنابراین خواستِ این رابطه، یک نوع مقاومت است. وقتی رهبر می گوید: من این رابطه را نمی خواهم و ۸۰٪ مردم می گویند: ما می خواهیم، دارند می گویند به رهبر که علیه مردم ایران حرف می زند. من این را به بی بی سی و صدای امریکا هم گفته ام برای همین هم هست که به ایران نمی توانم بروم.

۲) ما اعتقاد داریم که رابطه ایران و امریکا نمی تواند هیچ تاثیری روی ماندگاری یک حکومت داشته باشد. ببینید شاه فقید دوست نزدیک امریکا بود ولی دوستی با امریکا کمکش نکرد که بماند. دقیقاً برعکس، چون خیلی دوست امریکا بود، سرنگون شد. من اعتقاد دارم اگر شاه در ۶ - ۵ سال آخر حکومتش یا ۱۰ سال آخر، فاصله اش را با امریکا زیاد می کرد، مثل چینی های ایران راه می رفت و یک مقداری استقلال بیشتری داشت این اتفاق نمی افتاد.

علت این اتفاق، وابستگی شدید شاه به امریکا بود که وقتی امریکایی ها تصمیم گرفتند که باید یک اتفاقی در ایران بیفتد، مسئله تمام شده بود. داشتن رابطه با امریکا حتا خیلی حسنه، لزوما قدرت ماندگاری تو را بالا نمی برد برعکس. در موارد زیادی داشته ایم که برعکس بوده. در رابطه با ایران، من اعتقاد دارم که اگر امریکا با ایران رابطه برقرار کند، این سیلی که راه می افتد جناح مخالف امکان ندارد جلوی این سیل را بگیرد.

اخوان: حرفهای شما بسیار منطقی است اما من از خود سئوال می کنم هوشنگ امیر احمدی چه کار کرده که جامعه ی ایرانی الان حتا شعارهایی بسیار خشن بر علیه او می دهند.

خلیلی: سهراب اخوان لطف کرده ما را دعوت کرده که این مجموعه پانل انجام شود. خب مثل این که ایشان سوال میکند و شما فقط جواب می دهید در نتیجه این باعث شده اقای قهاری و بنده از این مسیر خارج بمانیم و....

قهاری: (بگذارید من این را جواب بدهم) من فکر می کنم اتهاماتی که به امیراحمدی می زنند بیشترش به علت زاویه نشناختن کارهایش است. ما اگر یک زحمتی به خود بدهیم و به حرفش گوش بدهیم قانع می شویم که اولین چیز این است که اگر هیچ نوع نقشه یا تصمیمی برای لطمه زدن به مردم ایران ندارد، فلسفه وی و اصولاً تمامی کسانی که در شورا هستند اولین چیز این است که اگر دستمان می رسد به مردم خودمان یک خدمتی بکنیم. حالا این مردم یک تعدادی در ایران هستند و یک تعدادی در امریکا. ایرانی های مقیم امریکا آن قدر محتاج کمک ما نیستند که ما از طریق EDUCATION و یا از طریق نفوذی که می توانیم داشته باشیم حتا در موقع مذاکرات. اگر مذاکراتی انجام شود و آن شرایطی که برای شروع مذاکرات می گذارند، همه به نفع ملت ایران خواهد بود. از جمله حقوق بشر، آزادی و ....

من حدود یک سال است که به AIC پیوسته ام. ولی در حدود ۶- ۲۵ سالی است که در امریکا همه نوع فعالیت اجتماعی داشته ام. اما هیچ کدام سیاسی نبوده است. سیاسی از این جهت که من به خیلی از نویسندگان و هنرمندانی که مورد غضب دولت جمهوری اسلامی بودند، کمک کرده ام اثارشان را چاپ کنند یا در موردشان فیلم سازی کنند.

اخوان: شما تهیه کننده فیلمی در مورد شاملو بودید.

قهاری: مدت ها بود که امیر احمدی را در جامعه های مختلف در نیویورک یا نیوجرسی می دیدم ایشان خیلی اصرار داشتند که بنشینند با من صحبت کنن. د من هم مثل بقیه ی مردم، به دلیل شایعاتی که از ایشان شنیده بودم، علاقمند نبودم حتی بنشینم و با او صحبت کنم. تا این که پس از اصرار فراوان ما نشستیم و یک جلسه ۴- ۳ ساعته گذاشتیم و یا هم بحث کردیم. و من [illegible] و من حرف های ایشان را قبول کردم و تصمیم گرفتم که به او کمک کنم و عضو AIC شدم، و آن موقع که قبول کردم، می دانستم که کار مشکلی در پیش است برای این که متأسفانه گاهی وقت ها تو راست می گویی و می دانی که راست می گویی، و فکر می کنی که همه می دانند که شما چه کاره هستی و چه کار می کنی.

متأسفانه ما به اون صورتی نیامدیم که خودمان را معرفی کنیم، با مردم بنشینیم صحبت کنیم به اون صورت نیامدیم که به قول امریکایی ها PUBLICITY بکنیم. در حقیقت روابط عمومی خوبی نداشته و هنوز هم نداریم. به همین دلیل بود که در مورد جنوب کالیفرنیا و لس انجلس حقیقتاً ما اشتباه کردیم. لازم بود ما قبل از این که کنفرانس بگذاریم با ارباب مطبوعات و با صاحبان قلم و افرادی که چشم و گوش و صدای جامعه ی ایرانی این جا هستند، گفت و گو داشته و خود را به آنان معرفی کنیم.

می کند واین در حقیقت ظلم بوده که چنین لایحه ای تصویب شد همین الان هم ما می خواهیم با این لایحه چالش بکنیم؛ یا از طریق قانونی، یا از طریق سناتورها و وکلای مجلس. ما داریم صحبت می کنیم که این یک AMENT ی باشد که اقوام امریکایی هایی که ایرانی هستند، از این قانون مستثنا باشند. از شش ماه پیش با عده ی زیادی از سناتورها نشستیم و مساله را مطرح کردیم و خوشبختانه دیدیم تمام این ها نظر موافق دارند. البته وکیل AIC دارد راه های قانونی را نگاه می کند.

یک نقل قولی بکنم از جانب یکی از دوستان آقای نمازی که جزء هیات مدیره ی شورا هم هست. ایشان با سناتوری ملاقاتی داشتند و وقتی گله می کنند که شما چرا یک چنین لایحه ای تصویب کردید، شما روی یک میلیون ایرانی اثر گذاشتید. آن سناتور چنان اظهار بی اطلاعی می کند از وجود یک چنین تعداد ایرانی. حتا آن ها نمی دانستند که چه تعداد ایرانی در امریکا هستند. در هر صورت AIC قصد دارد گروه های مختلف ایرانی را بهشان آن قدر اطلاع بدهد که - البته هیچوقت قصد نداریم که آن ها را زیر یک پرچم دربیاوریم - تا در یک جهت قدم بردارند بعد به این صورت، از آن حسن استفاده بکنیم.

خلیلی: تردیدی نیست که رسانه ها زبان بخشی از مردم هستند که آن مردم آن سئوالات را مطرح کرده و آن رسانه ها پاسخگو هستند تا مردم در جریان اوضاع کاری همه ی افراد قرار گیرند. یعنی وظیفه ی یک سیستم آزاد در حقیقت این است. که در رابطه با روابط بین دو دولت جمهوری اسلامی و امریکا، طبیعتاً مسأله ی بسیار حساسی است، یعنی رابطه برقرار کردن با جمهوری اسلامی و امریکا. مسئله بسیار حساسی است من اتفاقا داشتم برنامه های شما در سانفرانسیسکو را نگاه می کردم. همان طور که آقای معظمی در همین رابطه یعنی perform, image , exposure یک مطلب خوب گفتند. ایرانی ها در امریکا ۱۰٪ perform کردند اما image و exposure لازم را برای هر کاری که لازم است، نکرده اند. و این کاملا صحیح است. با توجه به حساسیت بسیار پراهمیتی که اصولاً در ذهن هر ایرانی مسئله دولت جمهوری اسلامی بر می انگیزد، شما اولاً دقیقاً expose کنید مسئله دولت جمهوری اسلامی را و platform سیاسی شورا را در رابطه با دولت جمهوری اسلامی به ما بگویید با توجه به این مطلب، وقتی شما این صحبت را می کنید با توجه به این مسائل perform, image , exposure شما بایستی در برابر حرکات جمهوری اسلامی موضع بگیرید، و هر از گاهی آن را بیان کنید، بگویید شورا کجا ایستاده؟ به خاطر این که مجموعه ی توده ها یادشان می رود که شما چه مواضعی گرفتید و این مواضع بسیار بسیار مهم است. حالا شما وقتی صحبت می کنید، من ادامه میدهم با سوالاتی که دارم.

امیراحمدی: اولاً عرض کنم خدمتتان که تا الان شورا به هیچ وجه از رابطه بین دو کشور (دولت) صحبت نکرده، ما یک platformهستیم برای درک بهتری از مسایل. ما اصلاً در رابطه بین دو دولت نیستیم رابطه را دولت ها می سازند. یعنی بنده یا آقای قهاری یا شورا، روی این که رابطه برقرار کند حرف نمی زنیم. ما اعتقاد داریم برای ایجاد رابطه باید یک درک درست باشد. این درک درست باید به گونه ای باشد که بین ایران و امریکا مسئله ی رابطه حل می شود یا نمی شود. از مأموریت های شورا این نیست که رابطه ایجاد کند، بلکه درک بهتری بین دو کشور به وجود بیاورد. این خیلی مهم است. یعنی ما بین «رابطه» و «درک» تفاوت اساسی می گذاریم

نکته ۲- ما حزب سیاسی نیستیم.

ما یک public policy institution هستیم. هدف ما تأثیرگذاری روی سیاست های عمومی است. ما با قدرت دولت برخورد نمی کنیم. علتش هم ساده است. زیرا شورا یک سازمان امریکایی است. ما هدف نداریم در قدرت دولت شریک شویم یا آن را بگیریم. شورا یک سازمان امریکایی است هنوز هم ۶۵٪ از اعضای هیئت مدیره ی ما و ۷۰٪ پولش را امریکایی ها می دهند به عنوان یک سازمان امریکایی، به خود اجازه نمی دهیم که در امور داخلی ایران دخالت کنیم.